

بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم عامل اعتماد بر تمایل به اشتراک دانش در جوامع مجازی علمی با استفاده از مدل تحلیل عاملی ساختاری

سحر انبارکی^۱، عبدالرسول جوکار^۲، سعیده ابراهیمی^۳

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش عامل اعتماد بر تمایل در به اشتراک گذاری دانش در جوامع مجازی علمی با رویکرد شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته است. روش/رویکرد پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه پژوهش، ۹۰۰ نفر اعضای هیئت علمی دو دانشگاه شیراز و خلیج فارس بوشهر و بر مبنای جدول مورگان، ۲۶۹ نفر به عنوان نمونه تعیین گردید. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای بر مبنای دو پرسش‌نامه «ژائو» (۲۰۱۰) و «وو، چن و چانگ» (۲۰۱۰) است. یافته‌ها: بین دو متغیر «اعتماد» و «اشتراک دانش» ضریب همبستگی ۰/۸۲ وجود دارد که نشان دهنده تأثیر بالای اعتماد بر تمایل به اشتراک دانش در بین پژوهشگران است. بیشترین میزان تأثیر اعتماد بر اشتراک دانش از طریق زیرمؤلفه‌های «تعهد» با ضریب تأثیر ۰/۷۹، «اطمینان» با ضریب تأثیر ۰/۶۸ و «وضعیت پیوسته» با ضریب تأثیر ۰/۶۳ است. همچنین از بین زیرمؤلفه‌های «اعتماد»، «رضایت» با ضریب بتای ۰/۴۸۱ بیشترین میزان تأثیر را بر تمایل به اشتراک دانش دارد. نتیجه‌گیری: با توجه به تأثیر بالای اعتماد بر تمایل پژوهشگران در به اشتراک گذاری دانش

۱. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شیراز s.anbaraki@areeo.ac.ir

۲. دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی و استاد بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شیراز

Ajowkar2003@yahoo.com

۳. دکترای علم اطلاعات و دانش‌شناسی و استادیار بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شیراز

Sebrahimi.shirazu@gmail.com

در جوامع مجازی علمی، می‌توان با برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهای لازم و بالابردن سطح اعتماد، پژوهشگران را به استفادهٔ بیش از پیش از این جوامع ترغیب کرد.
کلیدواژه‌ها: اعتماد، اشتراک دانش، جوامع مجازی علمی، شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته، پژوهشگران، دانشگاه شیراز، دانشگاه خلیج فارس.

مقدمه

امروزه دانش به‌عنوان دارایی ارزشمند و منبع و سرمایهٔ راهبردی مطرح است (کاظمی و وحیدی مطلق، ۱۳۹۳). حرکت به سوی دانش محوری در دنیای کنونی و رسیدن به برتری رقابتی در سازمان‌ها، اشتراک دانش را به‌عنوان یک مقولهٔ مهم مطرح کرده است. به بیانی دیگر، نبود اشتراک دانش در سازمان، منجر به بی‌کفایتی در امر مدیریت دانش سازمانی می‌گردد (اناری، عاصمی نیا و ریاحی، ۱۳۹۱). بدون اشتراک و هم‌افزایی، دانش ارزش اصلی خود را از دست می‌دهد. به عبارت دیگر، اشتراک دانش معمول‌ترین راه برای افزایش ارزش دانش است. معمولاً دو دسته از افراد درگیر اشتراک دانش می‌باشند؛ دسته اول دارندگان دانش و دسته دوم متقاضیان دانش (Hidding and Catterall 1998).

شبکه‌های اجتماعی پیوسته به‌عنوان راهی مناسب و کارآمد جهت دستیابی، اشتراک و تبادل دانش بین افراد معرفی شده‌اند. این شبکه‌ها را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به دو گروه عمومی نظیر فیس‌بوک ۱ و توییتر ۲ و تخصصی مثل ریسرچ گیت ۳ و آکادمیا ۴ تقسیم کرد. شبکه‌های اجتماعی علمی جزء شبکه‌های تخصصی ۵ شناخته می‌شوند و می‌توانند قابلیت‌های اساسی را برای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی محققان ارائه کنند. این نوع از شبکه‌های اجتماعی، مجراهای اطلاع‌یابی را در جهت آموزش، متنوع و گسترده می‌سازند، به گونه‌ای که افراد می‌توانند بدون صرف وقت و هزینه جهت رفت‌وآمد برای حضور در محیط آموزشی، با متخصصان و پژوهشگران رشته‌های

1. Facebook
2. Twitter
3. Research gate
4. Academia
5. Expert networks

مختلف در تعامل باشند و اطلاعات و دانش مورد نیاز خود را سریع‌تر و به‌آسانی به دست آورند (اصنافی و همکاران، ۱۳۹۴).

بحث اشتراک دانش ۱ و عوامل مؤثر در تمایل اعضای جوامع مجازی ۲ به شرکت در این فعالیت، اهمیت قابل توجهی به خصوص در سال‌های اخیر پیدا کرده است. این موضوع در پژوهش‌های اخیر به وضوح قابل مشاهده است

(Wasko and Faraj 2000; Hsu et al 2009; Chen 2009; Liu, Lu and YU 2010; Chen and Hung 2010; Zhao 2010; Chiu et al 2010; Liao, TO and Hsu 2012).

بیشتر پژوهشگران و کارشناسان حوزه جوامع مجازی معتقدند حیات این جوامع به حضور اعضا در فعالیت‌های مشترک بستگی دارد (Yao, Tsai and Fang 2015).

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد عوامل مؤثر در تمایل به اشتراک دانش در جوامع مجازی از سه بُعد فایده و لذت^۳، هزینه^۴ و سرمایه اجتماعی^۵ (عوامل زمینه‌ای) مورد توجه قرار گرفته است.

از بُعد فایده و لذت، افراد به گونه‌ای رفتار می‌کنند که یا بیشترین منافع را برای آنان به دنبال داشته باشد و افراد نیز در مقابل همان کار را انجام دهند (انتظار پاداش و عمل متقابل) (Blau 1964; Zhao 2010) یا باعث ایجاد مقام و احترام برای او شود (کسب شهرت و اعتبار) (Jones et al 1997). گاهی اوقات نیز افراد بدون انتظار از طرف مقابل و تنها با انگیزه میل به کمک به دیگران، به اشتراک دانش می‌پردازند (لذت کمک) (Davenport and Prusak 1998). «هی و وی»^۶ (۲۰۰۹) برای باورند که می‌توان از طریق به اشتراک گذاری دانش، تعامل اجتماعی مداوم با دیگران برقرار کرد (وابستگی اجتماعی) (He and Wei 2009). به عنوان آخرین عامل بُعد فایده و لذت، می‌توان از خودکارآمدی دانش به عنوان یک خود محرک نام برد که در آن افراد با داشتن

1. Knowledge sharing
2. Virtual Communities
3. Benefits
4. Costs
5. Social Capital (contextual factors)
6. He & Wei

سطح بالایی از اعتماد به نفس، در توانایی خود برای ارائه دانش ارزشمند به دیگران، بیشتر مایل به اشتراک دانش با دیگران هستند.

بعد هزینه اشتراک دانش، شامل تلاش به اشتراک‌گذاری و کم‌شدن قدرت دانشی است. تلاش به اشتراک‌گذاری دانش شامل تلاش و زمانی که فرد برای جواب دادن و به اشتراک گذاشتن آن در شبکه صرف می‌کند (Ba et al 2001; Markus 2001). کم‌شدن قدرت دانشی نیز به این معناست که هنگامی که شخص دانش با ارزش خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارد، در واقع قسمتی از قدرت خود را با آنها شریک شده و قسمتی از قدرت خود را به آنها بخشیده است (Galbraith 1967) و قدرت فرد کاهش یافته است (Gray 2001).

از بُعد سرمایه اجتماعی، «اعتماد» عامل مهمی در تمایل به اشتراک دانش است. در واقع، زمانی که دو طرف شروع به اعتماد به یکدیگر می‌کنند، تمایل بیشتری برای به اشتراک‌گذاری منابع خود بدون هیچ نگرانی از مورد سوء استفاده قرارگرفتن این منابع از سوی طرف مقابل دارند. از دیگر عوامل این بُعد، هنجار اشتراک‌گذاری است که در جامعه می‌تواند به عنوان یک جریان آزاد اطلاعات (فضای باز) بر اساس اعتماد (انصاف) و هنجارهای اجتماعی (هویت / شناسایی) در نظر گرفته شود (Liu, Lu and YU 2010). علاوه بر این دو عامل، احساس تعهد نیز می‌تواند در تمایل افراد در به اشتراک‌گذاری دانش در یک جمع تأثیرگذار باشد (Cabrera et al 2006). آخرین عامل در بُعد سرمایه اجتماعی چشم‌انداز مشترک است که اگر این عامل بین اعضای شبکه‌های انسانی وجود داشته باشد، فعالیت‌های مشترک را توسعه می‌بخشد. (Cohen and prusak 2001) از طرف دیگر، اعتماد عاملی پیشرو و مرتبط با تسهیم دانش تلقی می‌شود و شماری از مطالعات تحقیقاتی به بررسی و بیان رابطه مستقیم و مثبت بین اعتماد و رفتار به اشتراک‌گذاری دانش پرداخته‌اند (Van den hoof and vanWeenen 2004; Lin 2007; Renzle 2008; Ho, Ku and Lin 2011).

اعتماد مسیری است که از طریق آن دانش جریان پیدا می‌کند و موجب تسهیل

تبادل دانش می‌شود. سطح بالای اعتماد در روابط میان اعضای یک جامعه سبب تمایل بیشتر آنها به تسهیم دانش با یکدیگر می‌گردد. اعتماد مجموعه‌ای از اعتقادات رفتاری خاص است که از یک سو با خیرخواهی (بخشش) و صلاحیت و از سوی دیگر با دوستی تعریف شده است (Mayer et al 1995). زمانی که اعتماد بین مردم وجود دارد، آنها تمایل به تعامل دارند که این امری ضروری برای اشتراک دانش است (Levin and Cross 2004).

اعتماد در جوامع مجازی از دو جنبه قابل بررسی است: سوابق، که به بررسی عوامل ایجادکننده اعتماد در جوامع مجازی می‌پردازد و شامل وجود سیاست حفظ حریم خصوصی در جوامع مجازی، رضایت داشتن اعضا از عضویت در جامعه و ارتباط با دیگر اعضا، وجود ارزش‌های مشترک بین اعضا، وجود توانایی و تخصص در عضو، وجود حسن‌خیرخواهی و کمک به دیگر اعضا در صورت به وجود آمدن مشکل، وجود ویژگی صداقت و درستی در اعضا می‌شود. جنبه عواقب، که نتایج وجود اعتماد در جامعه مجازی را مثل اشتراک دانش، تمایل برای تبادل اطلاعات و تولید دانش بررسی می‌کند (Riddings et al 2002) شامل اشتراک و تبادل دانش بین اعضا، ایجاد حسن‌تعهد و به وجود آمدن رابطه نزدیکی بیشتر با سایر اعضاست (Wu, Ying and Chung 2010).

با وجود ویژگی‌های برجسته فناوری اینترنت، به نظر نمی‌رسد فناوری اطلاعات به تنهایی برای به اشتراک‌گذاری دانش کافی باشد و تمایل افراد به اشتراک دانش و اعتماد بین فردی مسئله مهمی در ترویج به اشتراک‌گذاری دانش است. این موضوع در شبکه‌های اجتماعی پیوسته به خصوص شبکه‌های اجتماعی علمی و تخصصی پیوسته که افراد تخصص و تجربه خود را به اشتراک می‌گذارند، نمود بیشتری دارد.

در جهان فیزیکی، تمایل فرد برای به اشتراک‌گذاری دانش خود ممکن است فقط مشروط به شناخت خوب از طرف مقابل باشد، ولی در جوامع مجازی این کار ممکن نیست، چون این جوامع از هزاران هزار نفر تشکیل شده است و شناخت همه این افراد امکان‌پذیر نیست.

با توجه به اهمیت شبکه‌های اجتماعی پیوسته علمی و تخصصی در دستیابی،

اشتراک و تبادل دانش بین محققان و پژوهشگران در جهت دانش‌آفرینی و گسترش مرزهای دانش و عامل اعتماد به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در تمایل اعضا به اشتراک دانش در این شبکه‌ها مهم و کلیدی به نظر می‌رسد. چون در واقع، اعتماد عامل کلیدی در فرایند تسهیم دانش است که بدون آن تسهیم دانش یا اتفاق نمی‌افتد یا حالت صوری خواهد داشت و در میان عوامل انسانی، اعتماد در تمایل به تسهیم دانش نقش مؤثرتری ایفا می‌کند. در واقع، بدون وجود اعتماد افراد یا در فعالیت‌های دانشی شرکت نخواهند کرد، یا اینکه دانش خود را به صورت کامل در اختیار دیگران قرار نخواهند داد. چنانکه پژوهشگران نیز معتقدند، اعتماد می‌تواند منجر به رفتار همکاری در بین افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها و تسهیل ارتباطات مؤثر شود (Newell and Swan 2000). بنابراین بررسی این عامل کلیدی و نقش آن در فرایند تسهیم و ترویج دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی، پیوسته باید مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به اهمیت شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و تحقیقات محدود این حوزه، پژوهش حاضر به بررسی اثر عامل اعتماد ۱ به عنوان یکی از عوامل مهم و مؤثر بر تمایل در به اشتراک گذاری دانش بین اعضای این شبکه‌ها می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

در این بخش پژوهش‌های انجام گرفته در دو بخش خارجی و داخلی آورده شده است. پژوهش‌های داخلی در زمینه نقش اعتماد در اشتراک دانش بیشتر اعتماد سازمانی و تأثیر آن در اشتراک دانش سازمانی در نظر گرفته شده و به موضوع جوامع مجازی و به خصوص جوامع مجازی علمی توجهی نشده است. در پژوهش‌های خارجی نیز هرچند به نقش اعتماد در جوامع مجازی تا حدودی پرداخته شده است، ولی بیشتر این تحقیقات بسیار کلی است و موضوع جوامع مجازی علمی چندان مورد توجه قرار نگرفته است.

«ریدینگز» (۲۰۰۰) در پایان نامه دوره دکتری خود، این طور تحلیل کرد که اعتماد دارای دو بُعد است: اعتماد به توانایی و اعتماد به خیرخواهی. همچنین افراد تازه وارد در شبکه دارای سطح بالاتری از اعتماد می باشند و اطلاعات بیشتری را به اشتراک می گذارند. «اندرروز و دالاهیه» ۱ (۲۰۰۰) در مطالعه خود دریافتند که وجود اعتماد بین اعضای هیئت علمی پنج سازمان مشارکت کننده در یک نشست زیستی، فعالیت های مثبت آنها را در اشتراک دانش با یکدیگر کاملاً تحت تأثیر قرار می دهد. «هولستی» (۲۰۰۳) در پژوهشی نتیجه گرفت که اعتماد در هر دو بُعد اعتماد مبتنی بر تأثیر و اعتماد مبتنی بر شناخت، رابطه مثبت و معناداری با تمایل در به اشتراک گذاری دانش بین کارکنان سازمان دارد. «جیمز لین و همکاران» (۲۰۰۹) در پژوهشی نشان دادند که اعتماد به طور قابل توجهی اشتراک دانش را در متغیرهای خودکارآمدی دانش، مزیت نسبی درک و سازگاری درک، تحت تأثیر قرار می دهد.

«وو، چن و چانگ» (۲۰۱۰) در مقاله خود، وجود ارزش های مشترک بین اعضای یک جامعه مجازی را بر اعتماد و تعهد آنها نسبت به یکدیگر مؤثر دانسته اند. همچنین این گونه نتیجه گرفتند که وجود سیاست های حفظ حریم خصوصی در وب سایت نیز به طور قابل توجهی سبب بالارفتن سطح اعتماد می شود. «بیکسان ژانگ و همکاران» (۲۰۱۰) در پژوهشی، به تأثیر مثبت دو عامل «اعتماد» و «خودآگاهی» بر اشتراک دانش اشاره کردند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که، بالابودن سطح اعتماد، تأثیر مثبتی بر ادامه اشتراک گذاری دانش دارد.

«لیو، لو و یو» (۲۰۱۰) در پژوهش خود که با نظرسنجی از ۴۴۲ نفر از اعضای سه جامعه مجازی انجام دادند، نتیجه گرفتند که عوامل اعتماد، جریان آزاد اطلاعات، فرهنگ اشتراک گذاری و سودمندی / ربط بیشترین تأثیر را در اشتراک گذاری داوطلبانه دانش در بین اعضای جوامع مجازی دارند. «چن و هونگ» ۲ (۲۰۱۰) در مطالعه ای که بر روی ۳۲۳

1. Andrews & Delahaye

2. Chen & Hung

نفر عضو شبکه‌های اجتماعی انجام دادند، عوامل مؤثر در رفتار اشتراک‌گذاری دانش توسط اعضا در این شبکه‌ها را عمل متقابل، اعتماد بین فردی، خودکارآمدی و مزیت نسبی، بیان کردند.

«ایوانز» ۱ (۲۰۱۲) در پژوهش خود به تأثیر قابل توجه دو عامل اعتماد و چشم‌انداز مشترک بر رفتار به اشتراک‌گذاری دانش در سازمان‌ها اشاره کرد. همچنین «ثلوال و کوشا» نیز پژوهشی در سال ۲۰۱۴ با هدف بررسی گرایش به عضویت در شبکه‌های اجتماعی انجام دادند و نتیجه گرفتند که گرایش زنان و مردان در این خصوص برابر بوده است. در نظرسنجی اینترنتی که در سال ۲۰۱۵ «یائو، تی سای و فنگ» بر روی ۲۲۲ نفر عضو یک شبکه اجتماعی انجام دادند، نشان داده شد که عامل «سرمایه اجتماعی» اثر مثبتی بر اشتراک دانش در این جوامع دارد. «جمالی، نیکلاس و هرمان» (۲۰۱۶) با بررسی دیدگاه‌های دانشمندان اروپایی به این نتیجه رسیدند که بسترها و سازوکارهای وب اجتماعی، چندان شناخته شده نیست.

«قربانی‌زاده و همکاران» (۱۳۹۱) در مطالعه خود که به بررسی میزان تأثیر اعتماد سازمانی بر انتقال دانش ضمنی کارکنان شرکت پالایش نفت شهید تندگویان تهران پرداختند، به این نتیجه رسیدند که با افزایش اعتماد سازمانی، انتقال دانش ضمنی در سازمان تسهیل می‌شود. «رادمرد، افخمی اردکانی و باران» (۱۳۹۲) در مقاله‌ای، با تحلیل داده‌های پژوهش خود دریافتند، عدالت و فرهنگ سازمانی با اعتماد سازمانی رابطه مثبت، مستقیم و معناداری دارد و از طرفی اعتماد سازمانی نیز با تسهیم دانش رابطه مثبت، مستقیم و معنادار دارد. «نیازمند» (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی میزان استفاده پژوهشگران کشورهای خاورمیانه از شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته پرداخت. در این پژوهش یکی از دلایل عمده حضور کم‌رنگ پژوهشگران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته، اعتماد نداشتن افراد به این شبکه‌ها ذکر گردید.

«کاظمی، وحیدی مطلق و وحیدی مطلق» (۱۳۹۳) در مقاله خود به گردآوری

اطلاعات از ۴۰۰ نفر از اعضای انجمن گفتگوی مجازی پی سی ورلد ۱ که از شبکه‌های اجتماعی ایرانی است، پرداختند. نتایج نشان داد متغیرهای تأثیرگذار بر اشتراک دانش در این جوامع به دو گروه عوامل مفهومی شامل هنجارهای تبادل دانش و اعتماد بین فردی و عوامل فردی شامل خودکارآمدی، مزیت مرتبط درک شده و سازگاری درک شده، طبقه‌بندی می‌شود.

مطالعه پژوهش‌های انجام گرفته در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد موضوع جوامع مجازی در دهه اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، ولی هنوز تحقیقات جامعی درباره اشتراک دانش و عوامل مؤثر بر آن به خصوص در داخل کشور و با تأکید بر جوامع مجازی علمی، انجام نشده است. در خارج از کشور نیز با اینکه تحقیقات خوبی دست کم در زمینه عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در جوامع مجازی در سال‌های اخیر انجام شده است، ولی بیشتر این پژوهش‌ها بسیار کلی بوده و در حوزه جوامع مجازی علمی، هنوز جای کار زیادی وجود دارد. همچنین با وجود اینکه بیشتر پژوهش‌های پیشین به نقش اعتماد به عنوان عاملی مهم در تمایل به اشتراک دانش اشاره کرده‌اند، بیشتر به بررسی این عامل در جهان فیزیکی توجه شده است. همان‌طور که گفته شد، نقش این عامل در فضای مجازی به دلیل نبود ارتباط چهره به چهره پررنگ‌تر و مهم‌تر است.

مدل مفهومی پژوهش

بر اساس جامعه مورد پژوهش، جامعه مجازی مربوط و اهداف پژوهش‌های مختلف، مدل‌های متفاوتی ارائه شده است که با آزمون‌هایی بر پایه مدل معادلات ساختاری، هر مدل بررسی می‌شود.

به عنوان مثال، «کازمی، وحیدی مطلق و وحیدی مطلق» در مدل پژوهشی خود (۹۳) عوامل مؤثر بر اشتراک دانش را هنجارهای تبادل دانش، اعتماد بین فردی، خودکارآمدی اشتراک دانش، مزیت مرتبط درک شده و سازگاری درک شده بیان کردند.

مدل ارائه شده در پژوهش «ییکسان ژانگ» ۱ (۲۰۱۰) از جمله عوامل مؤثر بر اشتراک دانش را اعتماد، خودآگاهی و امنیت روانی بیان کرد. «چن و هونگ» ۲ (۲۰۱۰) نیز در مدلی که برای اشتراک دانش ارائه کردند، عوامل هنجارهای تبادل دانش، اعتماد بین فردی، خودکارآمدی، مزیت مرتبط درک شده و سازگاری درک شده را از عوامل مؤثر بیان داشتند. «هونگ و پینگ» ۳ (۲۰۰۹) نیز در مدل خود از جمله عوامل مؤثر بر اشتراک دانش، محتوای به اشتراک گذاشته شده، درجه اشتراک و اعتماد معرفی کردند. فهرست برخی از مدل‌های اشتراک دانش در جوامع مجازی در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱. مدل‌های اشتراک دانش در جوامع مجازی

ارائه دهندگان	سال	اهداف	متغیرهای بیان شده
کاظمی، وحیدی مطلق و وحیدی مطلق	۱۳۹۳	بررسی عوامل اثرگذار بر اشتراک دانش در جوامع مجازی ایرانی	هنجارهای تبادل دانش، اعتماد بین فردی، خودکارآمدی دانش، مزیت مرتبط درک شده، سازگاری درک شده
لی ژائو	۲۰۱۰	بررسی عوامل مؤثر بر تمایل دانش در جوامع مجازی	کم شدن قدرت دانشی، تلاش به اشتراک‌گذاری، وابستگی اجتماعی، لذت کم، وضعیت پیوسته، خودکارآمدی دانش، پاداش نمره پیوسته، اعتماد، عمل متقابل، چشم‌انداز مشترک، هنجارهای به اشتراک گذاری، تعهد
ییکسان ژانگ و همکاران	۲۰۱۰	بررسی نقش امنیت روانی در ارتقای تمایل به تداوم اشتراک دانش در جوامع مجازی	اعتماد، خودآگاهی، امنیت روانی، تمایل به تداوم اشتراک دانش
چن و هونگ	۲۰۱۰	عوامل مؤثر بر اشتراک دانش اعضا در جوامع مجازی حرفه ای	هنجارهای تبادل دانش، اعتماد بین فردی، خودکارآمدی دانش، مزیت مرتبط درک شده، سازگاری درک شده

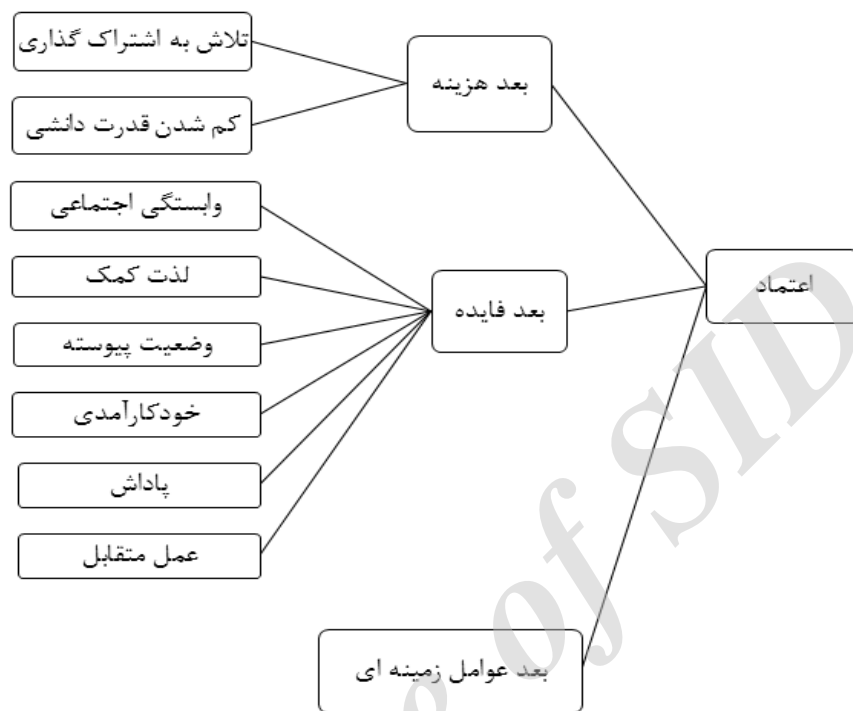
1. Yixiang Zhang

2. chen & hung

3. Zhu Dong -hong

متغیرهای بیان شده	اهداف	سال	ارائه دهندگان
محتوای اشتراک، درجه اشتراک، اعتماد در قدرت نام تجاری، اعتماد در خوش نامی	تأثیر اشتراک دانش در جوامع مجازی بر روی اعتماد نام تجاری مصرف‌کنندگان	۲۰۰۹	هونگ و پینگ
گرایش به اشتراک دانش، خودکارآمدی خلق دانش، خودکارآمدی فضای وب، هنجارهای ذهنی، روابط شبکه‌های اجتماعی	بررسی عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در جوامع آموزشی مجازی	۲۰۰۹	چن و همکاران

با توجه به مبانی نظری جامعه پژوهش و بررسی مدل‌های مختلف، به نظر می‌رسد کامل‌ترین مدل ارائه شده در این زمینه، مدلی است که «ژائو» ۱ در سال ۲۰۱۰ در پژوهش خود معرفی کرده و در تصویر ۱ نشان داده شده است. چنانکه گفته شد، عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در هر سه بُعد عوامل هزینه‌ای، عوامل سود و فایده و عوامل زمینه‌ای، بررسی شده است. چون پژوهش حاضر به بررسی نقش اعتماد بر اشتراک دانش تأکید دارد، باید تا حد ممکن اعتماد در همه ابعاد اشتراک دانش بررسی شود تا بتوان به نتایجی قابل تعمیم و استناد دست یافت. همچنین به نظر می‌رسد نادیده گرفتن هر یک از ابعاد، لطمه‌ای جدی به نتایج وارد خواهد کرد. در مدل آورده شده، اعتماد در همه ابعاد بر اشتراک دانش تأثیر می‌گذارد.



نگاره ۱. مدل مفهومی پژوهش (ژانو، ۲۰۱۰)

فرضیه پژوهش

اعتماد می‌تواند عاملی تأثیرگذار در ترویج به اشتراک گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته باشد.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- اعتماد به چه میزان می‌تواند اشتراک دانش را در متغیرهای ترویج به اشتراک گذاری دانش، پیش‌بینی کند؟
- ۲- از بین متغیرهای اعتماد، کدام متغیر بیشترین تأثیر را در ترویج به اشتراک گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته دارد؟

روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع رویکرد پیمایشی - توصیفی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای یک مرحله‌ای است. متغیرها فقط در یک مرحله اندازه‌گیری شدند و هیچ نوع دستکاری و کنترل متغیرها در پژوهش اعمال نشد. داده‌های پژوهش از طریق پرسش‌نامه، توزیع و جمع‌آوری شد. جامعه پژوهش در این تحقیق اعضای هیئت علمی دو دانشگاه شیراز و دانشگاه خلیج فارس بوشهر بودند که با توجه به جمعیت ۹۰۰ نفری، بر مبنای جدول مورگان ۲۶۹ نفر به عنوان نمونه پژوهش در نظر گرفته شدند. از این بین ۱۹۴ نفر (۷۲/۲ درصد) سهم دانشگاه شیراز و ۷۵ نفر (۲۸/۸ درصد) سهم دانشگاه خلیج فارس بوشهر گردید. با توجه به وجود دانشکده‌های متعدد در هر دو دانشگاه، برای تعیین اینکه از هر دانشکده به چند عضو هیئت علمی پرسش‌نامه داده شود، ابتدا از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای، از هر دانشگاه ۵ خوشه به طور تصادفی انتخاب و متناسب با حجم نمونه به توزیع پرسش‌نامه به روش نمونه در دسترس پرداخته شد. در دانشگاه شیراز دانشکده‌های حقوق، علوم تربیتی، مهندسی مکانیک، فیزیک و شیمی و با توجه به نمونه ۱۹۴ نفری سهم هر دانشکده تقریباً ۳۹ نفر و دانشگاه خلیج فارس بوشهر دانشکده‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم پایه، مهندسی نفت، مهندسی کامپیوتر و کشاورزی و سهم هر دانشکده تقریباً ۱۵ نفر عضو هیئت علمی شد.

ابزار پژوهش، پرسش‌نامه‌ای متشکل از دو پرسش‌نامه «ژائو» (۲۰۱۰) در بحث عوامل مؤثر بر تمایل به اشتراک دانش و «وو، چن و چانگ» (۲۰۱۰) در بحث اعتماد در جوامع مجازی بود. مزیت استفاده از تلفیق این دو پرسش‌نامه این بود که، از آنجا که جامعه پژوهش را محققان تشکیل می‌دادند و به طور معمول محقق به دلیل محدودیت زمانی تمایلی به تکمیل دو پرسش‌نامه به صورت مجزا ندارد، تلفیق دو پرسش‌نامه از نظر روانی، میل محقق را برای پاسخگویی به سؤال‌ها افزایش می‌داد. همچنین دو پرسش‌نامه با داشتن بعضی گویه‌های مشترک و نیز مجزا، علاوه بر بررسی تأثیر اعتماد بر زیرمؤلفه‌های

اشتراک دانش در جوامع مجازی، بررسی جداگانه هریک از زیرمؤلفه‌های اعتماد را نیز بر اشتراک دانش امکان‌پذیری ساخت. این پرسش‌نامه با ایجاد تغییرات جزئی متناسب با جامعه و هدف‌های پژوهش، در اختیار جامعه پژوهش قرار داده شد. «ژائوو و وو، چن و چانگ» در پژوهش‌های خود جوامع مجازی را از هر دو نوع عمومی و علمی بررسی کردند و با توجه به هدف پژوهش حاضر، تغییراتی جزئی در همین راستا در پرسش‌نامه اعمال شد. پرسش‌نامه به طور کلی شامل ۱۷ زیرمؤلفه و ۵۰ سؤال بود که ۱۲ زیرمؤلفه مربوط به اشتراک دانش و ۵ زیرمؤلفه مربوط به اعتماد در جوامع مجازی می‌شد.

برای سنجش روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه از نظرهای ۱۰ تن از استادان علم اطلاعات و دانش‌شناسی استفاده شد و اصلاحات لازم اعمال گردید.

پایایی پرسش‌نامه نیز علاوه بر اینکه در پژوهش‌های «ژائوو» (۲۰۱۰) و «وو، چن و چانگ» (۲۰۱۰) مورد تأیید قرار گرفته بود، به دلیل اینکه پرسش‌نامه شامل متغیرهای متعددی بود، با استفاده از مقدار ضریب آلفای کرونباخ، پایایی هریک از متغیرها کنترل شد. چنانکه در جدول ۲ آمده، مقدار این ضریب برای همه متغیرهای پژوهش، مطلوب و قابل قبول است.

جدول ۲. پایایی متغیرهای پژوهش

متغیرها	مقدار ضریب آلفای کرونباخ
تعهد	۰/۹۰
لذت کمک	۰/۹۳
تمایل در اشتراک دانش	۰/۸۸
خودکارآمدی دانش	۱/۰۰
کم شدن قدرت دانشی	۰/۸۹
وضعیت پیوسته	۰/۹۰
هنجارهای به اشتراک گذاری دانش	۰/۹۲
عمل متقابل	۰/۹۳
وابستگی اجتماعی	۰/۹۱
تلاش به اشتراک گذاری	۰/۸۷

متغیرها	مقدار ضریب آلفای کرونباخ
پاداش نمره پیوسته	۰/۹۱
چشم انداز مشترک	۰/۹۴
اطمینان در اشتراک گذاری	۰/۹۰
چشم انداز مشترک	۰/۸۸
رضایت	۰/۷۹
تعلق خاطر	۰/۹۳
تعهد	۰/۸۳
سیاست حفظ اطلاعات	۰/۸۷

در این پژوهش برای پاسخگویی به سؤال‌ها از دو نرم افزار Amos نسخه ۱۸ و نرم افزار «اس پی اس اس» ۱ نسخه ۲۱ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

- اعتماد می‌تواند عاملی تأثیرگذار در ترویج به اشتراک گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته باشد:

به منظور بررسی تأثیرگذاری اعتماد بر اشتراک دانش، با توجه به توزیع نرمال داده‌ها که با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد تأیید قرار گرفته بود، از رگرسیون تک متغیره استفاده شد. از پیش شرط‌های لازم برای انجام یک رگرسیون، بررسی رابطه همبستگی بین متغیرهاست که با توجه به جدول ۳، بین اعتماد و تمایل به اشتراک دانش، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر ۰/۸۲ شده است؛ یعنی هرچه میزان اعتماد افزایش پیدا کند، میزان تمایل به اشتراک گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی افزایش خواهد یافت.

جدول ۳. نتایج همبستگی پیرسون بین اعتماد و اشتراک دانش

متغیر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد و دانش	۰/۸۲	۰/۰۰۰۱

از پیش شرط‌های لازم دیگر برای انجام یک رگرسیون، معنادار شدن آنوای رگرسیون است که با توجه به اطلاعات جدول ۴، آنوای رگرسیون معنادار شده است؛ از این رو می‌توان گفت متغیر اعتماد به میزان ۶۷٪ توانایی پیش‌بینی تغییرات تمایل به اشتراک‌گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته را دارد. همچنین ضریب بتای متغیر اعتماد ۰/۸۲ به دست آمد. این ضریب مثبت مشخص می‌کند که اگر یک انحراف معیار متغیر اعتماد در بین پژوهشگران افزایش پیدا کند، به میزان ۰/۸۲ تمایل به اشتراک‌گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی از سوی آنها افزایش خواهد یافت.

جدول ۴. نتایج رگرسیون تک متغیره اعتماد بر اشتراک دانش

مدل	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل یافته	نمره f	Sig F	ضریب بتا	نمره t	Sigt
اعتماد	۰/۸۲	۰/۶۷۵	۰/۶۷۳	۴۵۸/۲۲	۰/۰۰۰۱	۰/۸۲۱	۲۱/۴	۰/۰۰۰۱

- میزان پیش‌بینی اعتماد از به اشتراک‌گذاری دانش در متغیرهای ترویج به اشتراک‌گذاری دانش:

به منظور بررسی سؤال اول پژوهش، از نرم افزار Amos نسخه ۱۸ و روش تحلیل عاملی استفاده شد تا به صورت همزمان تأثیر متغیر مستقل اعتماد بر اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته از طریق زیرمؤلفه‌های تمایل به اشتراک دانش تعیین شود. در حوزه مطالعات اجتماعی و اقتصادی، روش‌های تحلیل چندمتغیره زیادی وجود دارد که به بررسی اثرها و روابط بین متغیرهای مورد مطالعه می‌پردازند. این روش‌ها اثرهای مستقیم یک متغیر بر متغیر دیگر را بررسی می‌کنند، اما در این میان تحلیل مسیر از جمله تکنیک‌های چندمتغیره است که علاوه بر بررسی اثرهای مستقیم متغیرهای

مستقل بر متغیر وابسته، اثرهای غیرمستقیم این متغیرها را نیز مدنظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود، در تحلیل وارد می‌کند. در این تحلیل، اثرهای مجموعه‌ای از متغیرها بر یکدیگر از طریق انجام رگرسیون چندگانه و ضریب‌های استاندارد مسیر به دست می‌آید. این ضریب‌ها با مقدار کمتر از ۰/۱۰ بیانگر اثرهای ضعیف، مقادیر ۰/۳۰ بیانگر اثرهای متوسط و مقادیر ۰/۵۰ نشان‌دهنده اثرهای قوی یک متغیر بر متغیر دیگر است (منتی زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

جدول ۵ مقدار پیشنهادی شاخص‌های برازش^۱ «داده-مدل» را نشان می‌دهد. آزمون‌های برازش نشان می‌دهند مدل طراحی شده توسط پژوهشگر چقدر بر اساس داده‌های واقعی، پشتیبانی می‌شود. در واقع، برازش مدل یعنی چقدر یک مدل نظری با یک مدل تجربی سازگاری دارد. در نرم‌افزارهایی مانند Amos تعداد زیادی از شاخص‌های برازندگی وجود دارد. برخی از مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از: RMSEA، GFI، AGFI، NFI، NNFI، CFI و RMR. در این جدول مقدار به دست آمده این شاخص‌ها به وسیله تحلیل مسیر نیز قابل مشاهده است. چنانکه مشاهده می‌شود، مقادیر متناسب شاخص‌های برازش، نشانگر سازگاری مناسب «داده-مدل» است.

شاهد مثال، شاخص برازش هنجار شده (NFI) است که برای مقایسه مدل پیشنهادی و مدل واقعی به کار می‌رود و دارای مقادیری بین صفر و یک است. هر چه مقدار به دست آمده برای این شاخص به عدد یک نزدیک‌تر باشد، مدل پیشنهادی مطلوب‌تر است (شوماخرو لومکس، ۲۰۰۰). این مدل بسیار مناسب گزارش شده است. همچنین شاخص RMSEA در بیشتر تحلیل‌های عاملی تأییدی و مدل‌های معادلات ساختاری استفاده می‌شود. براساس دیدگاه «مک‌کالوم، براون و شوگاوارا» (۱۹۹۶) اگر مقدار این شاخص کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد، برازندگی مدل خوب است و اگر بین ۰/۰۵ و ۰/۰۸ باشد، برازندگی مدل متوسط است. مقدار این شاخص نیز در پژوهش قابل قبول است. با توجه به مقادیر به دست آمده، اطلاعات ارائه شده از تحلیل مسیر، قابل تعمیم به

1. Fitness

جامعه هستند.

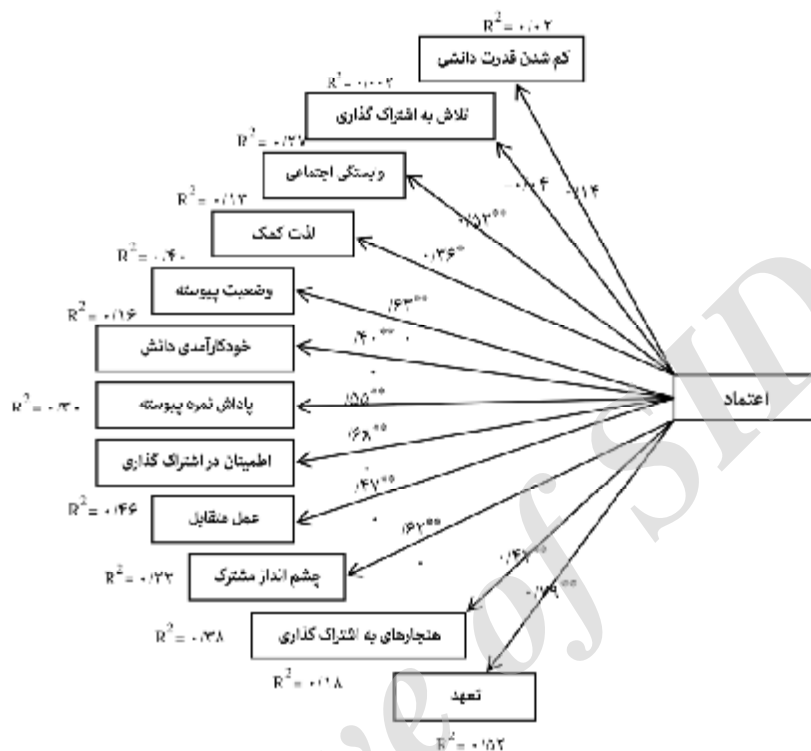
جدول ۵. میزان قابل انتظار و محاسبه شده شاخص‌های برازش داده - مدل

شاخص برازش	مقدار قابل انتظار	مقدار محاسبه شده در مدل
Df	-	۵
X^2	-	۶/۳۳
X^2 / df	≤ ۵	۱/۲۶
GFI	$\geq ۰/۹۰$	۰/۹۸
AGFI	$\geq ۰/۸۰$	۰/۹۱
CFI	$\geq ۰/۹۰$	۰/۹۸
NFI	$\geq ۰/۹۰$	۰/۹۹
RMSEA	$\leq ۰/۱$	۰/۰۴

چنانکه از نگاره ۲، قابل مشاهده است، از بین ۱۲ زیرمؤلفه اشتراک دانش، دو زیرمؤلفه «کم شدن قدرت دانشی» و «تلاش به اشتراک گذاری» در مدل معنادار نشده است؛ بدین معنا که متغیر «اعتماد» به صورت مستقیم بر اشتراک دانش از طریق دو زیرمؤلفه کم شدن قدرت دانشی و تلاش به اشتراک گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی تأثیرگذار نیست. بنابراین، این دو زیرمؤلفه از مدل نهایی حذف می‌شوند. بیشترین میزان تأثیر اعتماد بر زیرمؤلفه تعهد با ضریب تأثیر ۰/۷۹ است که توانایی پیش بینی ۵۲ درصدی تغییرات اشتراک دانش را دارد. پس از آن در رتبه دوم از نظر تأثیر، زیرمؤلفه «اطمینان در اشتراک گذاری» با ضریب تأثیر ۰/۶۸ است که در کل می‌تواند ۴۶٪ تغییرات اشتراک دانش را پیش بینی کند. سومین رتبه از نظر تأثیر متغیر اعتماد، زیرمؤلفه «وضعیت پیوسته» است که با ضریب تأثیر ۰/۶۳ می‌تواند ۴۰٪ از تغییرات اشتراک دانش را پیش بینی کند. پس از آن بیشترین میزان ضریب تأثیر برای زیرمؤلفه «چشم انداز مشترک» با ضریب تأثیر ۰/۶۲ است؛ یعنی متغیر «اعتماد» توانایی پیش بینی ۳۸٪ تغییرات اشتراک دانش از طریق این زیرمؤلفه را دارد.

تأثیر متغیر «اعتماد» بر زیرمؤلفه «پاداش نمره پیوسته» با ضریب تأثیر ۰/۵۵ توانایی

پیش بینی ۳۰٪ از تغییرات اشتراک دانش از طریق این زیرمؤلفه را دارد. پس از آن، تأثیر متغیر «اعتماد» بر زیرمؤلفه «وابستگی اجتماعی» با ضریب تأثیر ۵۲/۰ است که توانایی پیش بینی ۲۷٪ تغییرات اشتراک دانش از طریق این زیرمؤلفه را دارد. با توجه به اطلاعات به دست آمده، میزان تأثیر متغیر «اعتماد» بر این زیرمؤلفه‌ها، بسیار قوی است. تأثیر متغیر «اعتماد» بر زیرمؤلفه‌های «عمل متقابل»، «هنجارهای به اشتراک گذاری»، «خودکارآمدی دانش» و «لذت کمک» به ترتیب با ضریب تأثیر ۴۷/۰، ۴۲/۰، ۴/۰ و ۳۶/۰ است که توانایی پیش بینی ۲۲٪، ۱۸٪، ۱۶٪ و ۱۳٪ تغییرات اشتراک دانش از طریق این زیرمؤلفه‌ها را دارد. به طور کلی می‌توان گفت، متغیر «اعتماد» توانایی متوسطی در پیش بینی تغییرات اشتراک دانش از طریق زیرمؤلفه‌های «عمل متقابل»، «هنجارهای به اشتراک گذاری»، «خودکارآمدی دانش» و «لذت کمک» دارد. در نهایت باید گفت، متغیر «اعتماد» توانایی نسبتاً بالایی در پیش بینی تغییرات اشتراک دانش از طریق زیرمؤلفه‌های تمایل به اشتراک گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته دارد؛ یعنی اعتماد تأثیر بالایی بر اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته از سوی پژوهشگران دارد.



نگاره ۲. مدل تحلیل عاملی ساختاری تأثیر متغیر اعتماد بر زیرمؤلفه‌های تمایل به اشتراک دانش

- مؤثرترین متغیرهای اعتماد در ترویج به اشتراک گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی

علمی پیوسته:

به منظور بررسی پرسش دوم پژوهش، از آزمون رگرسیون چندگانه به روش گام به گام بهره گرفته شد. برای این مورد نیز ابتدا رابطه بین متغیرها بررسی گردید. جدول ۶ اطلاعات مربوط به همبستگی پیرسون بین پنج زیرمؤلفه اعتماد با متغیر «تمایل به اشتراک گذاری دانش» را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بین زیرمؤلفه‌های «چشم‌انداز مشترک»، «رضایت»، «تعهد»، «تعلق خاطر» و «سیاست حفظ اطلاعات» با اشتراک دانش از طرف پژوهشگران در شبکه‌های اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

این رابطه مثبت نشان می‌دهد با افزایش هر یک از این زیرمؤلفه‌ها، میزان به‌کارگیری و اشتراک دانش افزایش خواهد یافت. در این بین بیشترین میزان همبستگی مربوط به زیرمؤلفه «رضایت» و پس از آن زیرمؤلفه «تعهد» است و کمترین آن نیز برای «چشم‌انداز مشترک» است.

جدول ۶. نتایج ماتریس همبستگی متغیرهای اعتماد با اشتراک دانش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
چشم‌انداز مشترک	۱					
رضایت	۰/۴۷۱ ^{**}	۱				
تعهد	۰/۳۶۸ ^{**}	۰/۷۷۶ ^{**}	۱			
تعلق خاطر	۰/۳۴۸ ^{**}	۰/۷۴۴ ^{**}	۰/۶۶۵ ^{**}	۱		
سیاست حفظ اطلاعات	۰/۲۵۱ ^{**}	۰/۸۰ ^{**}	۰/۶۴۴ ^{**}	۰/۶۲۸ ^{**}	۱	
تمایل به اشتراک دانش	۰/۴۹۷ ^{**}	۰/۸۰ ^{**}	۰/۷۲ ^{**}	۰/۶۸ ^{**}	۰/۶۲ ^{**}	۱

همچنین با توجه به معنادار شدن نمره F رگرسیون، می‌توان گفت ابعاد اعتماد بر تمایل در به‌کارگیری دانش از طرف پژوهشگران در شبکه‌های اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند. برای این منظور، پنج زیرمؤلفه «چشم‌انداز مشترک»، «رضایت»، «تعهد»، «تعلق خاطر» و «سیاست حفظ اطلاعات» وارد مدل رگرسیون شدند. با توجه به مقدار ضریب تأثیر بسیار کم زیرمؤلفه «سیاست حفظ اطلاعات»، این زیرمؤلفه نادیده گرفته شد و چهار زیرمؤلفه دیگر که توانایی پیش‌بینی تغییرات اشتراک‌گذاری دانش را داشتند، بررسی شدند. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها، در جدول ۷ آمده است:

جدول ۷. نتایج رگرسیون چندگانه گام به گام متغیرهای اعتماد بر اشتراک دانش

مدل	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین یافته	ضریب تعیین تغییر	نمره f	Sig F	ضریب بتا	نمره t	Sigt
رضایت	۰/۸۰۷	۰/۶۵۱	۰/۶۵۱	۴۱۲/۵۶	۰/۰۰۰۱	۰/۴۸۱	۶/۸۳	۰/۰۰۰۱
تعهد	۰/۸۲۰	۰/۶۷۳	۰/۶۷۰	۲۲۶/۳	۰/۰۰۰۱	۰/۲۰۴	۳/۳۷	۰/۰۰۱
چشم انداز مشترک	۰/۸۳۱	۰/۶۹۰	۰/۶۸۶	۱۶۲/۶۹	۰/۰۰۰۱	۰/۱۵۰	۳/۵۵	۰/۰۰۱
تعلق خاطر	۰/۸۳۵	۰/۶۹۸	۰/۶۹۲	۱۲۵/۷۴	۰/۰۰۰۱	۰/۱۳۱	۲/۳	۰/۰۲۲

چنانکه در جدول ۷ مشخص است، اولین زیرمؤلفه‌ای که وارد مدل رگرسیون شد، زیرمؤلفه «رضایت» با ضریب تعیین تعدیل یافته ۰/۶۵ بود؛ یعنی این زیرمؤلفه به تنهایی توانایی پیش‌بینی ۶۵٪ تغییرات تمایل به اشتراک دانش را در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته دارد. دومین زیرمؤلفه وارد شده به مدل، زیرمؤلفه «تعهد» بود که ضریب تعیین تعدیل یافته را به ۰/۶۷ افزایش داد؛ یعنی دو زیرمؤلفه «رضایت» و «تعهد» ۶۷٪ تغییرات تمایل به اشتراک دانش را در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته پیش‌بینی می‌کنند. سومین زیرمؤلفه وارد شده به مدل رگرسیون، «چشم‌انداز مشترک» بود که ضریب تعیین تعدیل یافته را به ۰/۶۸۶ افزایش داد، لذا سه زیرمؤلفه «رضایت»، «تعهد» و «چشم‌انداز مشترک» می‌توانند به میزان ۶۸/۶٪ از تغییرات تمایل به اشتراک دانش را پیش‌بینی کنند. در نهایت، زیرمؤلفه «تعلق خاطر» وارد مدل رگرسیون شد که ضریب تعیین تعدیل یافته را به ۰/۶۹۲ افزایش داد؛ یعنی زمانی که چهار زیرمؤلفه «رضایت»، «تعهد»، «چشم‌انداز مشترک» و «تعلق خاطر» در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، می‌توانند ۶۹٪ از تغییرات تمایل به اشتراک دانش را در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته از سوی پژوهشگران پیش‌بینی کنند.

به منظور بررسی تأثیر این زیرمؤلفه‌ها بر میزان اشتراک دانش، از ضریب بتا بهره گرفته شد. با توجه به ضریب بتا «رضایت»، بیشترین میزان تأثیر را بر تمایل به اشتراک دانش دارد و میزان بتای آن $0/481$ است. این بدان معناست که با افزایش یک انحراف معیار در زیرمؤلفه «رضایت» از اعتماد، به میزان $0/481$ میزان به اشتراک گذاری دانش افزایش خواهد یافت. علاوه بر آن، میزان ضریب بتا برای دو زیرمؤلفه «تعهد» و «چشم انداز مشترک» به ترتیب $0/204$ و $0/15$ است که با توجه به مثبت شدن این ضریب، باید گفت، با افزایش یک انحراف معیار در دو زیرمؤلفه «تعهد» و «چشم انداز» به ترتیب به میزان $0/204$ و $0/15$ به اشتراک گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته افزایش می‌یابد و در نهایت زیرمؤلفه «تعلق خاطر» با ضریب بتای $0/131$ است. با توجه به ضریب مثبت باید گفت، با افزایش یک انحراف معیار در «تعلق خاطر» به میزان $0/131$ به اشتراک گذاری دانش از طرف پژوهشگران افزایش خواهد یافت.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش اصلی‌ترین نیروی محرکه یک جامعه در مسیر ترقی و یکی از شاخص‌های مهم رشد است. شکاف اصلی بین کشورهای پیشرفته و عقب مانده، ریشه در تفاوت زمینه‌های تحقیقاتی آنها و دسترسی به دانش روزآمد و استفاده درست و به موقع از آن دارد. با توجه به طیف گسترده حوزه‌های علم و نبود امکان دسترسی فیزیکی و امکان بررسی تمام پژوهش‌های انجام گرفته در این خصوص، یافتن راهی برای دسترسی سریع و آسان به اطلاعات و دانش مورد نیاز، اهمیت خاصی یافته است. با پیشرفت‌های اخیر در عرصه فناوری اینترنت در طول چند سال گذشته، امروزه شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته می‌توانند راه مناسب و کارآمدی برای دستیابی به دانش مورد نیاز و پیشبرد هدف‌های پژوهشی باشند و قابلیت‌های اساسی را برای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی محققان، فراهم کنند.

در این میان، بحث اشتراک دانش به عنوان عاملی مهم در حفظ حیات شبکه‌های

اجتماعی علمی پیوسته و پیشبرد هرچه سریع‌تر و آسان‌تر امور پژوهشی، اهمیت قابل توجهی دارد. دستیابی به این هدف، مستلزم ایجاد انگیزه و تمایل در اعضای این شبکه‌ها برای شرکت در فعالیت‌های دانشی است.

بررسی نقش اعتماد بر تمایل پژوهشگران به اشتراک‌گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته از منظر اعضای هیئت علمی دو دانشگاه شیراز و خلیج فارس بوشهر نشان داد که اعتماد تأثیر بسیار زیادی بر تمایل در به اشتراک‌گذاری دانش توسط محققان و در نتیجه تمایل در به اشتراک‌گذاری دانش دارد. در بین متغیرهای اشتراک دانش، «اعتماد» بر «تعهد» و «اطمینان در اشتراک‌گذاری دانش» بیشترین تأثیر را داشته است. نتیجه به دست آمده این طور قابل تبیین است که وجود اعتماد بین اعضای شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته سبب می‌شود اعضا درباره سرنوشت این شبکه‌ها حساس باشند و کاری نکنند که اعتبار شبکه به خطر بیفتد. همچنین وجود اعتماد باعث خواهد شد افراد برای اشتراک دانش تخصصی خود احساس امنیت کنند و از اینکه این دانش مورد سوء استفاده قرار نمی‌گیرد، اطمینان داشته باشند.

نتایج این بررسی همچنین نشان داد اعتماد به صورت مستقیم بر اشتراک دانش از طریق دو متغیر کم شدن قدرت دانشی و تلاش به اشتراک‌گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی، تأثیرگذار نیست. این نتیجه بیانگر این است که برای پژوهشگران وجود یا نبود اعتماد تأثیری بر بُعد «هزینه اشتراک دانش» که شامل دو متغیر فوق می‌شود، ندارد.

نتایج بررسی تأثیر متغیرهای اعتماد بر اشتراک دانش نشان داد از بین متغیرهای اعتماد دو متغیر «رضایت» و «تعهد» بیشترین تأثیر را بر تمایل در به اشتراک‌گذاری دانش داشته‌اند. نتایج به دست آمده را می‌توان این گونه تبیین کرد که اگر پژوهشگران، از فضای شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته رضایت داشته باشند، به نحوی که احساس کنند عضویت‌شان در این شبکه‌ها و شرکت در امور دانشی صحیح بوده است و از خدمات شبکه‌ها احساس رضایت کنند، بیشتر تمایل به اشتراک دانش خواهند داشت.

همچنین اگر افراد با توجه به قابلیت‌ها و توانایی‌های شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته به این باور رسیده باشند که این شبکه‌ها مکان مناسبی برای کسب و به اشتراک گذاشتن تجارب و دانش تخصصی است، تمایل بیشتری به حضور و عضویت در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و به اشتراک گذاری دانش تخصصی از خود نشان خواهند داد.

البته، نتایج پژوهش حاضر یافته‌های بیشتر پژوهش‌های پیشین انجام گرفته در این حوزه را تأیید می‌کند. به عنوان مثال، بلاو (۱۹۶۴)، تی سای و گوشال (۱۹۹۸)، اندروز و دالاهیه (۲۰۰۰)، ریدینگز (۲۰۰۰)، هولستی (۲۰۰۳)، دیرکس و فرین (۲۰۰۱)، کیمرله، کرس و هسه (۲۰۰۷)، هونگ و پینگ (۲۰۰۹)، ییکسان ژانگ (۲۰۱۰)، که همگی به تأثیر مثبت و مؤثر اعتماد به انجام فعالیت در جوامع مجازی از هر دو نوع عمومی و علمی تأکید کردند.

چنانکه گفته شد، بین نتایج همه پژوهش‌های ذکر شده و نتایج پژوهش حاضر به طور کامل همسویی وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت «اعتماد» تأثیر بسیار بالایی بر تمایل اعضای شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته به اشتراک دانش دارد. این بدین معناست که هر چه سطح اعتماد بین اعضای شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته بالاتر باشد، یعنی میزان تمایل اعضا در کمک به دیگران از طریق به اشتراک گذاری تجربه‌های شخصی خود بالاتر است. اعضا به ارائه اطلاعات تخصصی خود و مورد سوء استفاده قرار نگرفتن آنها اطمینان کامل دارند و از خدمات و حضور در شبکه به واسطه شرکت در امور دانشی رضایت داشته و به همین دلیل به تبادل دانش با دیگر اعضای شبکه می‌پردازند و دانش و تخصص خود را در اختیار آنها قرار داده، از آنها کسب دانش می‌کنند.

پیشنهاد‌های پژوهش

- پیشنهاد‌های کاربردی

با توجه به نتایج به دست آمده در پژوهش، می‌توان به طراحان شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته پیشنهاد کرد که با برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهای لازم و افزایش

سطح اعتماد این شبکه‌ها، زمینه اطمینان خاطر پژوهشگران را فراهم نموده و موجب استفاده بیشتر و مؤثرتر آنها از شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و اشتراک و تبادل مؤثر دانش شوند. همچنین می‌توانند با معرفی دقیق قابلیت‌ها و توانایی‌های شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در رفع مشکلات دانشی پژوهشگران از طریق درج سیاست‌گذاری‌ها و قابلیت‌ها در صفحه اصلی شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته اقدام کنند. همچنین با ایجاد و طراحی شبکه‌های اجتماعی علمی تخصصی پیوسته، زمینه حضور پژوهشگران هم‌رشته و با تخصص‌های مرتبط را فراهم کنند. اطلاع‌رسانان نیز می‌توانند با برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آشنایی با جوامع مجازی، به خصوص از نوع علمی آن، سبب آشنایی و استفاده بیشتر محققان با این جوامع شوند و در همین راستا علاوه بر اینکه فعالیت‌های پژوهشی با سرعت و کیفیت بیشتر انجام پذیرد، زمینه معرفی پژوهشگران و انتشارات‌شان نیز به جامعه جهانی فراهم آید.

- پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

با توجه به روند رو به رشد توجه به اهمیت شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در اشتراک دانش تخصصی و نیز با نظر به اینکه با وجود گستردگی موضوعات این شبکه‌ها پژوهش‌های بسیار اندکی انجام گرفته است، می‌توان در پژوهش‌های دیگری به بررسی نقش دیگر عوامل - مثل عوامل اجتماعی - بر تمایل در به اشتراک‌گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته پرداخت. همچنین می‌توان علل تمایل نداشتن پژوهشگران ایرانی را به حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و شرکت در فعالیت‌های دانشی این شبکه‌ها بررسی کرد. بررسی تأثیر وزنی هر یک از عوامل مؤثر بر تمایل در به اشتراک‌گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و مقایسه این عوامل با یکدیگر و ارائه مدل‌های مربوط نیز می‌تواند به عنوان موضوعی مهم مطرح شود.

منابع

- اصنافی، امیررضا و دیگران (۱۳۹۴). «حضور پژوهشگران دانشگاه‌های علوم پزشکی، آزاد و دولتی شهراهواز در شبکه اجتماعی علمی ریسرچ گیت»، فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی. ۱۰۶.
- رادمرد، قادر؛ مهدی افخمی اردکانی و صمد باران (۱۳۹۲). «بهبود تسهیم دانش سازمان‌های تحقیق و توسعه: نگاهی به نقش فرهنگ، عدالت و اعتماد سازمانی»، فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت، ۶(۲۳)، ۱۶۳-۱۸۷.
- ستوده، هاجر و یاسمین سعادت (۱۳۹۴). «بررسی گرایش به عضویت در شبکه‌های اجتماعی علمی در میان شمیمیدان‌های ایران»، تعامل انسان و اطلاعات، ۲(۳)، ۱-۱۲.
- قربانی زاده، وجه‌الله و دیگران (۱۳۹۱). «بررسی میزان تأثیر اعتماد سازمانی بر انتقال دانش ضمنی کارکنان»، فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت. ۵ (۱۷)، ۱۱۱-۱۳۱.
- کاظمی، مهدی؛ طیبه وحیدی مطلق و سمانه وحیدی مطلق (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر عوامل اثرگذار بر اشتراک دانش در جوامع مجازی ایرانی»، پژوهش‌های مدیریت عمومی. ۷(۲۳)، ۱۰۷-۱۲۸.
- نیازمند، محمدرضا (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی میزان استفاده پژوهشگران کشورهای خاورمیانه از شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- Andrews, K. M., & Delahaye, B. L. (2000). Influences on knowledge processes in organizational learning: The psychosocial filter. *Journal of Management Studies* 37(6), 797-810
- Bajaria, H. (2000). "Knowledge Creation and Management", *Quality Management Review*, 11(4), 56-69
- Chen, Chih-Jou, Hung, Shiu-Wan (2010). To give or to receive? Factors influencing members' knowledge sharing and community promotion in professional virtual communities. *Journal of Information & Management* 47, 226-236
- Chini, Tina. (2004). Effective knowledge transfer in multinational corporations. *palgrave, Mc millan*
- Chiu, Chao-Min, Wang, Eric T.G, Shih, Fu-Jong and Fan, Yi-Wen (2010). Understanding knowledge sharing in virtual communities An integration of expectancy disconfirmation and justice theories. *Journal of Online Information Review*, 35 (1), 134-153
- Cummings, J.N (2004). Work groups, structural diversity and knowledge sharing in a global organization. *Journal of management science*, (50), 352-364
- Davenport, T.H, & Prusak, L. (2000), "knowledge management" translator: Rahmanseresht, H. *Sapko publishes, Tehran*
- Evans, Michael (2012). *Knowledge Sharing: An empirical study of the role of trust and other social-cognitive factors in an organizational setting*. A thesis submitted in conformity with the requirements for the degree of Doctor of Philosophy Faculty of Information University of Toronto.

- Hinds, P. J., & Pfeffer, J. (2003). Why organizations don't "know what they know": Cognitive and motivational factors affecting the transfer of expertise. In M. Ackerman, V. Pipek & V. Wulf (Eds.), *Beyond knowledge management: Sharing expertise* (3-26). Cambridge, MA: MIT Press.
- Hislop, D. (2003). Linking human resource management and knowledge management via commitment: A review and research agenda. *Employee Relations*, 25(1/2), 182-202.
- Holste, J. S. (2003). A study of the effects of affect-based trust and cognition-based trust on intra-organizational knowledge sharing and use. Unpublished Ph.D. Dissertation, Regent University, Virginia Beach
- Hosmer, L. T. (1995). Trust: The connecting link between organizational theory and philosophical ethics. *Academy of Management Review*, 20(2), 379-403.
- Hsu, M.H., Chen, Y.L., Chiu, C.M., Ju, L., (2007). Exploring the antecedents of team performance in collaborative learning of computer software, *Computer and Education*.
- Ku, E.C.S., Fan, Y.W. (2009). Knowledge sharing and customer relationship management in the travel service alliances. *Journal of total quality management and business excellence*, 20(12), 1407-1421
- Levin, D. Z., & Cross, R. (2006). The strength of weak ties you can trust: The mediating role of trust in effective knowledge transfer. *Management Science*, 50(11), 1477-1490.
- Liao, Chechen, To, Pui-Lai, Hsu, Fang-Chih (2012). Exploring knowledge sharing in virtual communities. *Journal of Online Information Review*, 37 (6), 891-909
- Lin, H. F. (2007). Effects of extrinsic and intrinsic motivation on employee knowledge sharing intentions. *Journal of Information Science*, 33, 135-149.
- Liu, Tsai-feng, Lu, long-chuan, Yu, Tai-kuei. (2010). Exploring factors that influence knowledge sharing behavior via weblogs, *Journal of Computers in Human Behavior*, 26, 32-41
- Mayer, R. C, Davis, J. H., and Schoorman, F. D. (1995). "An Integrative Model of Organizational Trust," *The Academy of Management Review* (20:3), 709-734.
- Nahapiet, J., & Ghoshal, S. (1998). Social capital, intellectual capital, and the organizational advantage. *Academy of Management Review*, 23(2), 242-266.
- Renzl, B. (2008). Trust in management and knowledge sharing: The mediating effects of fear and knowledge documentation. *Omega*, 36, 206-220.
- Ridings, C.M., Gefen, D., Arinze, B., (2002). Some antecedents and effects of trust in virtual communities. *Strategic Information Systems* 11 (3-4), 271-295.
- Ruppel, C. P., & Harrington, S. J. (2001). Sharing knowledge through Intranets: A study of organizational culture and Intranet implementation. *IEEE Transactions on Professional Communication*, 44, 37-52.
- Thelwall, M., & Kousha, K. (2014). "Academia. edu: Social Network or Academic Network?" *Journal of the Association for Information Science and Technology*, 65(4), 721-731.
- Tsai, W., & Ghoshal, S. (1998). Social capital and value creation: The role of intrafirm networks. *The Academy of Management Journal*, 41(4), 464-476.
- Van den Hoof, Bart, & Do Ridder, Jan A. (2004), "Knowledge Sharing in

- Context: The Influence of Organizational Commitment, Communication Climate & CMC Use on Knowledge Sharing.”*Journal of Knowledge Management*, 8(6), 117-130
- Wasko, M.M., Faraj, S.,(2005). Why should I share? Examining social capital and knowledge contribution in electronic networks of practice. *MIS Quarterly*,29 (1), 35-58.
 - Wu, Jyh-Jeng ,Chen, Ying-Hueih , Chung, Yu-Shuo (2010). Trust factors influencing virtual community members: A study of transaction communities. *Journal of Business Research*. 63, 1025-1032
 - Yu, T.K., Lu, L.C. and Liu, T.F. (2010), “Exploring factors that influence knowledge sharing behavior via weblogs”, *Computers in Human Behavior*, 26 (1), 32-41.
 - Zhao, Li . (2010), *Sharing knowlegde in virtual communities: factors affecting a member's intention to share*, A Thesis Submitted to the School of Graduate Studies in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy. McMaster University.

Archive of SID